

سید حسین گلستانه<sup>1</sup> ، دکتر محمدرضا دوستی‌زاده<sup>2</sup>

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل: hgolestaneh@ut.ac.ir

ORCID: 0009-0008-3674-3101

<sup>2</sup> استادیار (نویسنده مسئول)، گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل: dostizadeh@ut.ac.ir

ORCID: 0009-0001-6298-9008

# Pre-Print Version

Seyed Hossein Golestaneh<sup>1</sup> , Dr. Mohammadreza Doustizadeh<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate in German Language Education, Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Email: hgolestaneh@ut.ac.ir

ORCID iD: 0009-0008-3674-3101

<sup>2</sup> Assistant Professor (Corresponding Author), Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Email: dostizadeh@ut.ac.ir

ORCID iD: 0009-0001-6298-9008

## عنوان مقاله:

هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دستیار آموزشی دیجیتال

## چکیده

این مقاله بر آن است تا به بررسی کاربرد هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی (DaF) پرداخته و تلاش دارد با نگاهی تحلیلی، مزایا، چالش‌ها و راهکارهای استفاده‌ی مؤثر از این فناوری را ارائه دهد. هوش مصنوعی در سال‌های اخیر توانسته است با فراهم ساختن آموزش شخصی‌سازی‌شده، تمرین‌های تعاملی، بازخورد خودکار و استفاده از منابع چندرسانه‌ای، تجربه‌ی یادگیری زبان را غنی‌تر و متنوع‌تر کند. از جمله مزایای برجسته آن می‌توان به انطباق محتوای آموزشی با نیازهای فردی زبان‌آموزان، افزایش انگیزه از طریق گیمیفیکیشن، تقویت یادگیری خودمحور و فراهم کردن محیطی منعطف برای تمرین‌های روزمره اشاره کرد. در کنار این مزایا، چالش‌هایی نیز وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت؛ از جمله کمبود درک فرهنگی، ضعف در تعامل انسانی، تهدید استقلال یادگیرنده، خطر تقلب و نگرانی‌های مربوط به اخلاق و حریم خصوصی. همچنین، وابستگی بیش از حد به سامانه‌های هوشمند ممکن است فرآیند یادگیری عمیق و خلاق را تضعیف کند. نتایج این پژوهش بر اهمیت بهره‌گیری هوشمندانه، هدفمند و ترکیبی از فناوری هوش مصنوعی در فرآیند آموزش زبان تأکید دارد. بر این اساس، هوش مصنوعی نباید به عنوان جایگزینی برای نقش آموزشی انسان تلقی شود، بلکه می‌بایست در قالب یک دستیار دیجیتال در خدمت معلمان و نظام آموزشی قرار گیرد تا کیفیت یادگیری ارتقا یابد. همچنین از این منظر، لزامیست که طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی، ملاحظات اخلاقی، و نیازهای خاص یادگیرندگان انجام پذیرد تا بتوان به توسعه‌ی آموزش زبان به‌صورتی مؤثر و پایدار دست یافت.

● هوش مصنوعی

● آموزش زبان

● مسیرهای یادگیری شخصی‌سازی‌شده

● دستیار دیجیتالی آموزش

● تمرین تعاملی زبان

تا کنون، گسترش فناوری‌های دیجیتال تحولات عمیق و بنیادینی در نظام‌های آموزشی جهان ایجاد کرده است. در این میان، هوش مصنوعی (AI<sup>1</sup>) به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین شاخه‌های فناوری، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان‌های خارجی، نقشی فزاینده و تحول‌آفرین ایفا می‌کند. آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی (DaF<sup>2</sup>) نیز از این روند جهانی متأثر شده و با ورود ابزارها و سامانه‌های هوشمند، با فرصت‌ها و چالش‌های نوینی مواجه گردیده است. هوش مصنوعی امکان آن را فراهم آورده که فرآیند یادگیری زبان از الگوهای سنتی فاصله بگیرد و به تجربه‌ای تعاملی، داده‌محور و شخصی‌سازی‌شده تبدیل شود؛ تجربه‌ای که از طریق بازخوردهای آنی، تحلیل مسیر یادگیری و تولید محتوای آموزشی تطبیقی، می‌تواند کیفیت آموزش را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد. با این حال، بهره‌برداری گسترده از هوش مصنوعی در آموزش زبان، پرسش‌های اساسی در حوزه‌های اخلاقی، فرهنگی و تربیتی مطرح می‌سازد. اهمیت این موضوع در آن است که آینده‌ی آموزش زبان، به‌ویژه در سطوح دانشگاهی، مدارس عالی و مؤسسات حرفه‌ای، بیش از پیش تحت تأثیر نحوه بهره‌گیری از این فناوری‌های نوین قرار خواهد گرفت. در این راستا، تصمیم‌گیری آگاهانه درباره‌ی چگونگی استفاده از فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی نه تنها بر کارایی نظام آموزشی اثر می‌گذارد، بلکه تبعات اجتماعی و تربیتی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. از این‌رو، شناختی دقیق، علمی و انتقادی از مزایا، فرصت‌ها، محدودیت‌ها و چالش‌های این فناوری، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان آلمانی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ شناختی که می‌تواند به طراحی سازوکارهایی منجر شود که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناورانه، ماهیت انسانی و تعاملی آموزش زبان را حفظ کرده و تعادلی پایدار میان فناوری و تربیت انسانی برقرار سازد.

در چارچوب توضیحات مقدماتی فوق، پرسش اصلی این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: آیا می‌توان از سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری یاری‌گر، فعال و کارآمد در فرآیند آموزش زبان، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی (DaF)، بهره گرفت؟ و آیا مزایای بالقوه‌ی این فناوری آن‌چنان بر معایب احتمالی آن برتری دارد که بتوان کاربرد آن را در بهبود شیوه‌های تدریس و یادگیری زبان آلمانی توصیه کرد؟ فرض بنیادین این پژوهش بر آن است که بهره‌گیری نوآورانه از هوش مصنوعی به‌مثابه یک دستیار فعال و مؤثر در فرآیند آموزش و یادگیری زبان، در صورت تعریف چارچوب‌های معقول، دقیق و اخلاق‌محور و نیز استفاده‌ی مسئولانه، می‌تواند مزایای چشمگیری به همراه داشته باشد. از جمله این مزایا می‌توان به کاهش چالش‌هایی اشاره کرد که زبان‌آموزان و مدرسان در مسیر یادگیری و آموزش با آن مواجه‌اند؛ چالش‌هایی چون نبود همکار زبانی مؤثر برای تمرین مکالمه، یا طراحی آزمون‌های استاندارد و شخصی‌سازی‌شده در راستای پشتیبانی از معلمان در زمانی کوتاه. برای بررسی و اثبات این فرضیه، دو رویکرد مکمل اتخاذ شده است: نخست، تحلیل نظری و کتابخانه‌ای با تکیه بر ادبیات پژوهشی روز و بررسی مطالعات علمی موجود؛ و دوم، روش تجربی مبتنی بر نتایج به‌دست‌آمده از طراحی، اجرا و ارزیابی آزمون‌های زبان با کمک هوش مصنوعی در چارچوب نگارش رساله‌ی

Artificial intelligence (En)<sup>1</sup>  
 Deutsch als Fremdsprache (De)<sup>2</sup>

آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی

دکتری نویسنده. در این بخش، عملکرد سیستم هوش مصنوعی با ارزیابی انسانی مورد مقایسه و سنجش قرار گرفته است.

## پیشینه

تحقیقات اخیر نشان‌دهنده توجه فزاینده به استفاده از مدل‌های زبانی بزرگ (LLM<sup>3</sup>s) در آموزش زبان دوم و خارجی، به‌ویژه در زمینه آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی (DaF) است. با این حال، این حوزه هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و به گستردگی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه آموزش زبان انگلیسی نیست. در این راستا، مطالعات متعددی به بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های استفاده از هوش مصنوعی در آموزش زبان پرداخته‌اند.

مطالعه Loos et al. (2023) به بررسی استفاده از ChatGPT در آموزش پرداخته و نشان داده است که این ابزار می‌تواند بازخورد خودکار ارائه دهد و به زبان‌آموزان در بهبود مهارت‌های نوشتاری و گفتاری کمک کند. با این حال، نویسندگان بر لزوم تأمل انتقادی در استفاده از این ابزارها تأکید کرده‌اند، زیرا ممکن است وابستگی بیش از حد به فناوری ایجاد شود. در مطالعه‌ای دیگر، Buck et al. (2023) به تأثیرات مدل‌های زبانی مانند ChatGPT بر آموزش زبان و نوشتن علمی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند فرآیند یادگیری را با ارائه بازخورد فوری و محتوای تطبیقی بهبود بخشند، اما چالش‌هایی مانند تولید پاسخ‌های نادرست یا سوگیری‌های الگوریتمی همچنان وجود دارد. همچنین، Deng et al. (2024) در یک تحلیل گسترده با بررسی 1600 مطالعه، تأثیر مثبت استفاده از ChatGPT در یادگیری زبان را تأیید کرده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند انگیزه و خودمختاری زبان‌آموزان را افزایش دهد، به‌ویژه در زمینه‌های مهارت نوشتاری و یادگیری واژگان. با این حال، موفقیت این ابزارها به طراحی آموزشی مناسب و نظارت معلم وابسته است. مطالعه von Garrel et al. (2023) نیز نشان‌دهنده افزایش استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مانند ChatGPT و DeepL در میان دانشجویان است. این پژوهش که بر اساس نظرسنجی از بیش از 6300 دانشجو در آلمان انجام شده، نشان می‌دهد که این ابزارها به‌ویژه در زمینه ترجمه و تولید متن مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما نیاز به آموزش سواد دیجیتال برای استفاده مسئولانه از آنها همچنان برجسته است. در مجموع، ادبیات پژوهشی موجود حاکی از آن است که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کمکی در آموزش زبان مؤثر باشد، اما جایگزین تعاملات انسانی و آموزش میان‌فرهنگی نخواهد شد. تأکید بر آموزش سواد دیجیتال، طراحی آموزشی مناسب و نظارت معلم برای بهره‌برداری بهینه از این فناوری‌ها ضروری است.

## روش شناسی

این پژوهش با بهره‌گیری از یک رویکرد سه‌لایه‌ای مثلث‌سازی (Triangulation) به‌صورت نظام‌مند به بررسی نقش هوش مصنوعی (AI یا KI)<sup>4</sup> در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی می‌پردازد. این رویکرد ترکیبی شامل سه سطح مکمل است که هر یک هدف معینی را دنبال می‌کند: الف) مثلث‌سازی نظری برای بنیان‌گذاری

---

<sup>3</sup> Large Language Model  
نوعی سامانه‌ی هوش مصنوعی که با استفاده از داده‌های متنی بسیار گسترده آموزش دیده و توانایی درک، تولید و پردازش زبان طبیعی را دارد.

<sup>4</sup> Künstliche Intelligenz (De) = Artificial intelligence (En)

مفهومی، ب) مثلث‌سازی داده‌ها برای گردآوری تجربی اطلاعات و ج) مثلث‌سازی تحلیلی برای مقایسه‌ی ساختاریافته‌ی نتایج حاصل از منابع مختلف داده.

گام نخست: مثلث‌سازی نظری – مرور ادبیات علمی

در ابتدا، مرور نظام‌مند ادبیات علمی انجام شد تا چارچوب مفهومی پژوهش تدوین شود. منابع مرتبط از پایگاه‌های معتبر بین‌المللی مانند ERIC، Scopus و Google Scholar گردآوری و تحلیل شدند. تمرکز بر مقالاتی بود که به کاربرد هوش مصنوعی در آموزش زبان، به‌ویژه در حوزه‌ی آموزش زبان آلمانی (DaF) پرداخته‌اند. این مرور نه تنها به شناسایی شکاف‌های پژوهشی، بلکه به‌عنوان رویکرد نظری پژوهش نیز عمل کرد و مبنای طراحی سوالات تحقیق را فراهم آورد.

گام دوم<sup>5</sup>: مثلث‌سازی داده‌ها – اجرای آزمون و گردآوری داده‌ها

در مرحله‌ی دوم، یک آزمون عملی طراحی و اجرا شد که ساختار آن بر اساس چارچوب مرجع اروپایی (GER<sup>6</sup>) و مدل‌های معتبر TELC و ÖSD شکل گرفت. در این آزمون ده زبان‌آموز سطح B2 شرکت کردند. هرچند آزمون هر چهار مهارت زبانی (شنیدن، خواندن، نوشتن و گفتار) را دربرمی‌گرفت، تمرکز اصلی پژوهش بر مهارت‌های تولیدی یعنی نوشتن و صحبت کردن قرار گرفت. این دو مهارت به‌ویژه به این دلیل مورد توجه قرار گرفتند که در آن‌ها معمولاً سوالات به‌صورت باز و فاقد پاسخ مشخص (open-ended) طراحی می‌شوند. همین ویژگی، ارزیابی این مهارت‌ها را بسیار چالش‌برانگیز می‌سازد؛ چرا که نیازمند تحلیل عمیق، درک زمینه‌ی زبانی و تفسیر فردی است؛ چه از سوی ارزیاب انسانی و چه از سوی سامانه‌ی هوش مصنوعی. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به‌صورت مکتوب و صوتی گردآوری شد. سپس این پاسخ‌ها به‌طور مستقل توسط شش ارزیاب انسانی (پنج آلمانی‌زبان بومی متخصص DaF و یک فارسی‌زبان متخصص DaF) ارزیابی گردید. وظیفه‌ی این ارزیابان صرفاً نمره‌گذاری بر اساس فرم‌های از پیش تهیه شده<sup>7</sup> که بر مبنای استاندارد TELC و ÖSD بود و در فرآیند تولید یا تحلیل داده‌ها نقشی نداشتند. به‌طور هم‌زمان، ارزیابی همان پاسخ‌ها توسط سامانه‌ی هوش مصنوعی ChatGPT نیز انجام شد و امتیازات متناظر استخراج گردید.

گام سوم: مثلث‌سازی تحلیلی – مقایسه‌ی نتایج انسانی و دیجیتالی

در مرحله‌ی سوم، تحلیل تطبیقی ساختاریافته‌ی میان نتایج حاصل از ارزیابی انسانی و دیجیتال صورت گرفت. این تحلیل توسط خود پژوهشگر و با استفاده از ابزارهای کمی انجام شد. داده‌ها در نرم‌افزار Microsoft Excel و پلتفرم تحلیلی آنلاین Canva وارد و سازمان‌دهی شدند. با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین،

<sup>5</sup> در بخش تجربی این پژوهش، عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی در مقایسه با ارزیابان انسانی در چارچوب رساله‌ی دکتری نویسنده با عنوان: بررسی سهم تصحیح دیجیتالی در فرآیند آزمون در آموزش زبان آلمانی در سطح B2 (Zum Anteil von digitaler Korrektur bei Testverfahren im DaF-Unterricht auf B2-Niveau) مورد بررسی قرار گرفته است.

<sup>6</sup> Gemeinsame Europäische Referenzrahmen

نظامی استاندارد برای توصیف و ارزیابی مهارت‌های زبانی در سطوح مختلف.

<sup>7</sup> & Bewertungsblatt (DE) = Evaluation sheets & assessment sheet (EN) Auswertungsbögen

انحراف معیار و نمودارهای مقایسه‌ای، داده‌ها بررسی و روندها تحلیل شدند. همچنین جداول عددی و نمودارهای بصری به کار رفت تا پراکندگی و سازگاری نمرات به‌طور شفاف بازنمایی شود.<sup>8</sup>

روش پژوهش با مستندسازی دقیق و رعایت اصول اخلاقی، علیرغم محدودیت‌هایی مانند حجم نمونه، الگویی برای تحقیقات آینده در حوزه‌ی آموزش زبان با کمک هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهند که ارزیابی ترکیبی انسانی-دیجیتال با تلفیق دقت انسانی و سرعت هوش مصنوعی، مدلی کارآمد برای آزمون‌های زبان استاندارد محسوب می‌شود.

## 1. فرصت‌های هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان دستیار آموزشی

استفاده از هوش مصنوعی (AI یا KI) در حوزه آموزشی DaF مزایای فراوانی را به همراه دارد که می‌تواند فرایند یادگیری و تدریس را غنی‌تر کرده و محیط‌های آموزشی تعاملی و شخصی‌سازی‌شده را امکان‌پذیر سازد. هوش مصنوعی نه تنها ابزارهای آموزشی جدید و پیشرفته‌ای ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند یادگیری را به‌صورت کارآمدتر و انعطاف‌پذیرتری مدیریت کند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار آموزشی می‌تواند فراهم بیاورد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### 1.1. شخصی‌سازی و فردی‌سازی فرایند یادگیری

یکی از برجسته‌ترین مزایای استفاده از فناوری هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی، امکان تطبیق محتوای آموزشی با نیازهای فردی زبان‌آموزان است. این مزیت با تحلیل دقیق رفتارهای یادگیری و پیشرفت فردی زبان‌آموزان محقق می‌شود. پلتفرم‌های یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند داده‌هایی مانند سرعت یادگیری، میزان درک مطلب و ترجیحات کاربر را در زمان واقعی جمع‌آوری و تحلیل کنند. به این ترتیب، محتوای آموزشی، سطح دشواری و قالب‌بندی تمرین‌ها به‌صورت پویا تنظیم می‌گردند تا نیازها و ویژگی‌های هر زبان‌آموز را به بهترین شکل برآورده سازند (Strasser 2022: 10–11).

از شاخص‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی، ارتقای آموزش دستور زبان از طریق تمرین‌های تطبیقی و هوشمند است. به عنوان مثال زبان‌آموزانی که در درک ساختارهای پیچیده‌تری مانند Konjunktiv II دچار دشواری‌اند، از طریق پلتفرم‌های هوشمند تمرین‌هایی متناسب با سطح خود و همراه با توضیحات مرحله‌به‌مرحله دریافت می‌کنند. این تمرین‌ها با ارائه بازخوردهای دقیق و بلادرنگ، فرایند یادگیری را کارآمدتر می‌سازند. همچنین برای زبان‌آموزانی که در کاربرد زبان در موقعیت‌های روزمره ضعف دارند، تعامل با شبیه‌سازی‌های مکالمه‌محور می‌تواند کارآمد باشد. این سازوکار تطبیقی به زبان‌آموز امکان می‌دهد که با توجه به سطح زبانی، بدون فشار بیش از حد یا ساده‌سازی افراطی، در مسیر یادگیری حرکت کند. در حوزه مهارت شنیداری نیز هوش مصنوعی با پیشنهاد فایل‌های صوتی مناسب با سطح درک فعلی زبان‌آموز، امکان پیشرفت تدریجی را فراهم می‌آورد. هرچه توانایی شنیداری تقویت شود، محتواهای پیشنهادی نیز پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر می‌شوند که این خود به افزایش انگیزه و تجربه رشد فردی زبان‌آموز کمک می‌کند. در مهارت نوشتاری نیز ابزارهای مبتنی بر هوش

<sup>8</sup> در ضمائم، نمونه‌هایی از نمودارها و جداول به همراه ارزیابی یکی از ارزیابان و هوش مصنوعی به‌عنوان مثال ارائه شده‌اند.

مصنوعی بازخوردهای دقیقی در زمینه‌هایی مانند املا، ساختار نحوی، انسجام متن و سبک نوشتار ارائه می‌دهند. این بازخوردها به صورت سطح‌بندی شده عمل می‌کنند: از اصلاحات پایه‌ای در سطح مبتدی گرفته تا نکات سبکی و بلاغی در سطوح پیشرفته. به این ترتیب، زبان‌آموزان به شیوه‌ای نظام‌مند و هدفمند تشویق می‌شوند تا مهارت نوشتاری خود را به سطح بالاتری ارتقا دهند. امکان تطبیق فردی که فناوری هوش مصنوعی فراهم می‌کند، فرصتی بی‌نظیر برای انعطاف‌پذیر کردن آموزش زبان به وجود می‌آورد. معلمان می‌توانند با استفاده از این فناوری به عنوان یک دستیار، زبان‌آموزان را با دقت بیشتری حمایت کنند و مداخلات آموزشی هدفمندی انجام دهند که به‌طور خاص با نیازهای یادگیری هر فرد هماهنگ است. این فرآیند موجب ایجاد محیطی پویا و کارآمد می‌شود که به شکل مستمر و شخصی‌سازی شده مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان را تقویت می‌کند.

## 1.2. تمرین تعاملی زبان از طریق چت‌بات‌ها و دستیارهای صوتی هوش مصنوعی

چت‌بات‌ها و دستیارهای صوتی مبتنی بر هوش مصنوعی امکانات متنوعی برای تمرین تعاملی و واقعی زبان به زبان‌آموزان DaF ارائه می‌دهند. این ابزارها که برای شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی مکالمه طراحی شده‌اند، این امکان را فراهم می‌کنند که زبان‌آموزان به شکلی فعال و در زمینه‌ای نزدیک به واقعیت به تمرین زبان مقصد بپردازند. یکی از مزایای اصلی این برنامه‌ها، دسترسی سریع و همیشگی به آن‌هاست. با توجه به این که زبان‌آموزان DaF اغلب خارج از کلاس درس فرصت چندانی برای یافتن همکاران زبانی ندارند و معمولاً تنها در ساعات محدود کلاس می‌توانند مهارت‌های زبانی خود را به صورت تعاملی به کار بگیرند، چت‌بات‌ها و دستیارهای صوتی می‌توانند بصورت ویژه‌ای به کار بسته شوند. این ابزارها فضایی امن برای زبان‌آموزان ایجاد می‌کنند که در آن می‌توانند بدون نگرانی از قضاوت دیگران به آزمون و خطای زبان خود بپردازند. این رویکرد باعث کاهش موانع روانی و افزایش اعتمادبه‌نفس زبان‌آموزان در استفاده از زبان می‌شود. (Ciężka 2023)

به‌ویژه در حوزه‌های شنیداری و گفتاری؛ این ابزارها با تنظیم سرعت گفتار، سطح واژگان و موضوعات بر اساس سطح زبان‌آموز، امکان تعامل هدفمند را فراهم می‌سازند. برای مثال، یک مبتدی می‌تواند مکالمات ساده‌ای مانند پرسیدن مسیر یا معرفی علائق را تمرین کند، در حالی که زبان‌آموز با سطح پیشرفته با موضوعات پیچیده‌تری همچون مباحث اجتماعی یا ابراز نظر درباره مسائل روز مواجه می‌شود. چنین سازوکاری به زبان‌آموز اجازه می‌دهد مهارت شنیداری خود را در مواجهه با موقعیت‌های متنوع به‌تدریج بهبود دهد. در مهارت گفتاری نیز چت‌بات‌ها نقش شبیه‌سازهای گفت‌وگو را ایفا می‌کنند. آن‌ها با طرح سوالات، دریافت پاسخ و ارائه بازخورد هدفمند، فرصت تمرین مؤثر را در اختیار زبان‌آموز قرار می‌دهند. از دیگر مزایای قابل توجه این فناوری، امکان یادگیری در فضایی بدون استرس و قضاوت است. بسیاری از زبان‌آموزان، به‌ویژه در مراحل ابتدایی، از اشتباه کردن یا تصحیح مستقیم توسط دیگران هراس دارند. چت‌بات‌ها این امکان را فراهم می‌کنند تا زبان‌آموزان در محیطی امن و با سرعت دلخواه تمرین کنند، که این امر اعتمادبه‌نفس و احساس امنیت روانی آن‌ها را افزایش می‌دهد. تمرین مکالماتی مانند معرفی خود یا مصاحبه شغلی در چنین فضایی، زبان‌آموز را برای موقعیت‌های واقعی نیز بهتر آماده می‌سازد. افزون بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری، برخی از دستیارهای هوشمند در حوزه درک مطلب نیز کاربرد دارند. این سیستم‌ها با ارائه متون

کوتاه، تمرین‌های چندگزینه‌ای و سوالات تحلیلی، زبان‌آموز را به استفاده فعال از واژگان تخصصی و ساختارهای زبانی پیچیده ترغیب می‌کنند. برای نمونه، گفت‌وگویی درباره مفاهیمی مانند «پایداری در انتخاب» یا «تحولات فناوری» می‌تواند هم‌زمان به تقویت درک مطلب، گسترش دایره واژگان و تعامل نوشتاری و یا گفتاری کاربردی کمک شایانی کند.

### 1.3. بازخورد خودکار و تحلیل خطا

از دیگر پشتیبانی‌های دیجیتالی فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در آموزش زبان، توانایی شناسایی و اصلاح خودکار خطاهاست. این ابزارها با استفاده از فناوری‌های پیشرفته تشخیص گفتار و تحلیل متن، می‌توانند خطاهای گرامری، تلفظی، واژگانی و ساختاری را به‌دقت شناسایی کرده و بلافاصله بازخورد مناسب ارائه دهند. این بازخورد فوری به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا بدون نیاز دائمی به معلم، اشتباهات خود را شناسایی، تحلیل و اصلاح کنند. این اتفاق بار مسئولیت و کاری مدرسان را کاهش می‌دهد، چرا که بخشی از فرآیند تصحیح و آموزش به صورت خودکار انجام می‌شود. قابلیت تحلیل الگوی خطاها، از دیگر ویژگی‌های کلیدی این فناوری است. سیستم‌های هوشمند با بررسی مکرر خطاها، نقاط ضعف رایج هر زبان‌آموز را مشخص می‌کنند و از طریق تمرین‌ها و بازخوردهای هدفمند، آموزش شخصی‌سازی شده‌ای ارائه می‌دهند. این فرآیند باعث می‌شود زبان‌آموز از اشتباهات نه به‌عنوان مانع، بلکه به‌عنوان فرصتی برای یادگیری و پیشرفت استفاده کند. (Strasser 2020: 5)

در حوزه دستور زبان به عنوان یک نمونه بارز کاربردی، این سیستم‌های قادرند خطاهای پیچیده ای مانند ترتیب نادرست اجرای جمله یا استفاده ناصحیح از حروف اضافه را تشخیص دهند. برای مثال، جمله‌ای مانند „Ich denke, dass er Recht hat“ به صورت صحیح *„Ich denke, dass er hat Recht“* بازنویسی شده و با توضیح نحوه تصحیح، زبان‌آموز را به یادگیری ساختار درست هدایت می‌کند. در زمینه تلفظ نیز، این ابزارها از طریق تحلیل دقیق آوای زبانی، بازخورد صوتی ارائه می‌دهند که باعث می‌شود زبان‌آموزانی که به گویشوران بومی دسترسی ندارند، بتوانند تلفظ خود را بهبود ببخشند. برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان، که در تلفظ آوایی چون «ü» یا «r» با دشواری‌هایی روبرو هستند، این قابلیت بسیار سودمند است. همچنین در مهارت نوشتاری، هوش مصنوعی قادر است خطاهای املائی، سبکی، و محتوایی را شناسایی کند و جایگزین‌هایی چون مترادف‌ها یا ساختارهای متنوع‌تری در جمله پیشنهاد دهد. که این امر به گسترش دامنه واژگان و افزایش تنوع زبانی متون نیز منجر می‌شود.

### 1.4. طراحی آزمون‌های دوره‌ای و پایانی و طراحی تمرین‌های زبانی در حین کلاس

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای به‌کارگیری هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی، توانایی آن در تولید خودکار تمرین‌های زبانی هدفمند و متناسب با سطح زبانی زبان‌آموزان، چارچوب CEFR<sup>9</sup> و نیازهای فردی ایشان است. این تمرین‌ها می‌توانند در قالب‌های متنوعی مانند جای‌خالی، بازنویسی، ترجمه، تطبیق و تولید متن

<sup>9</sup> The Common European Framework of Reference for Languages



ارائه شوند و بسته به هدف آموزشی، شامل واژگان موضوع محور، ساختارهای دستوری خاص و مهارت‌های مختلف زبانی باشند. از منظر زبان‌شناسی کاربردی، آنچه این فناوری را برجسته می‌سازد، توانایی آن در شخصی‌سازی تمرین‌ها بر اساس علایق یادگیرنده، زمینه‌های فرهنگی، و نیازهای تخصصی است؛ عاملی که از نظر روان‌زبان‌شناسی می‌تواند به افزایش انگیزش درونی و یادگیری پایدار منجر شود. سامانه‌های هوش مصنوعی، با تحلیل داده‌های زبانی و شناختی زبان‌آموز، تمرین‌هایی طراحی می‌کنند که به صورت هم‌زمان چهار مهارت اصلی زبان (شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن) را تقویت می‌کنند. درک شنیداری با استفاده از فایل‌های صوتی سطح‌بندی‌شده و سؤالات تحلیلی تقویت می‌شود، گفتار از طریق سناریوهای تعاملی مانند بازی نقش، نوشتن با تمرین‌های بازنویسی و نگارش خلاق، و مهارت خواندن با ارائه‌ی متون معنادار و سؤالات مفهومی توسعه می‌یابد.

هوش مصنوعی در حوزه‌ی ارزیابی زبان نیز تحولی بنیادین ایجاد کرده است. آزمون‌های انطباق‌پذیر مبتنی بر تحلیل داده‌های پیشین زبان‌آموز، ساختاری پویا و فردمحور دارند که می‌توانند سطح زبانی را به‌دقت شناسایی و نیازهای یادگیری را بهتر مشخص کنند. این نوع آزمون‌ها نه تنها موجب افزایش روایی و پایایی فرآیند ارزیابی می‌شوند، بلکه با فراهم کردن بازخورد فوری، به بهینه‌سازی فرآیند یادگیری کمک می‌کنند. تولید خودکار آزمون‌ها نیز امکان استانداردسازی فرآیند سنجش، صرفه‌جویی در منابع، و نظارت مستمر بر پیشرفت زبانی را فراهم می‌آورد.

#### 1.5. هوش مصنوعی در نقش ارزیاب؛ تصحیح دیجیتالی آزمون‌های زبان

نخستین مزیت این روش در استانداردسازی و ارتقای عینیت فرآیند ارزیابی نهفته است. در حالی که ارزیابان انسانی همواره در معرض تأثیرپذیری از عوامل ذهنی، خستگی، یا تفاوت‌های فردی قرار دارند، سامانه‌های هوش مصنوعی با تکیه بر الگوریتم‌های از پیش تعیین‌شده، رویکردی یکنواخت و پایدار در ارزیابی ارائه می‌دهند. این امر به شکل چشمگیری به افزایش قابلیت اطمینان و انسجام در نتایج ارزیابی می‌انجامد و امکان مقایسه‌ی معنادار میان پاسخ‌گویان را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، سرعت پردازش بالا و صرفه‌جویی زمانی یکی دیگر از نقاط قوت هوش مصنوعی در حوزه‌ی ارزیابی محسوب می‌شود. سامانه‌های هوشمند قادرند در زمان بسیار کوتاهی حجم وسیعی از داده‌های زبانی را تحلیل و امتیازدهی کنند، در حالی‌که این فرآیند در روش سنتی مستلزم صرف زمان و منابع انسانی فراوان است. این ویژگی، به‌ویژه در سنجش‌های گسترده با تعداد زیاد شرکت‌کنندگان، کارآمدی عملیاتی قابل توجهی ایجاد می‌کند. از دیگر مزایای این رویکرد، می‌توان به قابلیت مقیاس‌پذیری بالا اشاره کرد. سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، مستقل از محدودیت‌های فیزیکی و منابع انسانی، توانایی پردازش هم‌زمان حجم زیادی از پاسخ‌ها را دارند؛ امری که در زمینه‌ی برگزاری آزمون‌های سراسری یا بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. ویژگی قابل توجه دیگر این سامانه‌ها، شفافیت داده‌محور در تحلیل نتایج است. داده‌های حاصل از تصحیح دیجیتال به‌صورت ساخت‌یافته ثبت می‌شوند و این امکان را فراهم می‌سازند که از طریق نمودارها و جدول‌های تحلیلی، الگوهای تکرار شونده، خطاهای پرتکرار و تفاوت‌های ارزیابی به‌وضوح ترسیم شوند. همچنین، ارزیابی دیجیتال از نظر تکرارپذیری و قابلیت بازتولید امتیاز بالایی دارد. در سامانه‌های هوشمند، پاسخ یکسان همواره خروجی یکسانی به همراه دارد؛ در حالی‌که در ارزیابی انسانی، حتی ارزیاب واحد نیز ممکن است در دفعات مختلف امتیازات متفاوتی تخصیص دهد. این امر به‌ویژه در موقعیت‌هایی چون اعتراض به نمره یا آزمون مجدد، موجب افزایش عدالت و اعتماد به نظام ارزیابی می‌شود.

در نهایت، باید به این نکته اشاره کرد که سامانه‌های هوش مصنوعی در تشخیص خطاهای سطحی و تکرار شونده عملکرد بسیار قابل اعتمادی دارند و از خستگی‌ناپذیری ذاتی در اجرای وظایف یکنواخت بهره‌مندند؛ در حالی که ارزیاب انسانی ممکن است در مواجهه با چنین وظایفی دچار سهل‌انگاری یا افت دقت شود.

## 1.6. تحلیل جامع داده‌ها برای بهبود سیاست‌ها و روش‌های آموزش زبان

سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به روند یادگیری زبان‌آموزان، امکان بهینه‌سازی هدفمند روش‌های تدریس را فراهم می‌کنند. این داده‌ها به زبان‌شناسان و معلمان کمک می‌کنند تا بخش‌های دشوار آموزش را شناسایی کرده و راهکارها و مواد تدریس مؤثرتری برای رفع آن‌ها طراحی کنند. (Cardona et al. 2023)

برای نمونه، اگر تحلیل داده‌ها نشان دهد که زبان‌آموزان در درک ساختارهای گذشته در گرامر دچار مشکل هستند، می‌توان توضیحات و تمرین‌هایی جایگزین و متناسب با سطح درک آنان ارائه کرد. همچنین، در زمینه تقویت مهارت‌های درک مطلب و شنیداری، اطلاعات به‌دست‌آمده از هوش مصنوعی امکان تنظیم دقیق‌تر محتوای آموزشی را فراهم می‌سازد؛ مانند ارائه متونی ساده‌تر با افزایش تدریجی دشواری یا طراحی تمرین‌هایی متمرکز بر ساختارهای دشوار. شناسایی خطاهای رایج نیز یکی دیگر از مزایای این تحلیل‌ها است. معلمان می‌توانند تمرین‌هایی طراحی کنند که به‌طور خاص این خطاها را هدف قرار دهد، و بدین‌وسیله دقت بازخورد آموزشی را افزایش دهند.<sup>10</sup>

Pre-Print Version

## 2. چالش‌های هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان دستیار آموزشی

با وجود پتانسیل‌های گسترده هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی، این فناوری با چالش‌های مهمی نیز روبه‌رو شده است. این چالش‌ها به‌ویژه در زمینه کیفیت آموزش زبان، مسائل اخلاقی و حریم خصوصی داده‌ها، و حساسیت فرهنگی فناوری‌های مورد استفاده قابل مشاهده هستند. در ادامه، این چالش‌ها به‌صورت دقیق معرفی و مورد بررسی قرار می‌گیرند:

### 2.1. کیفیت و دقت محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی

یکی از چالش‌های مهم در بهره‌گیری از هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی، مسئله دقت زبانی و حساسیت فرهنگی است. سیستم‌های هوش مصنوعی علی‌رغم توانایی‌های بالای زبانی، در بازنمایی ظرافت‌های گرامری و فرهنگی زبان آلمانی با محدودیت‌هایی بسیاری روبه‌رو هستند. آن‌ها ممکن است پاسخ‌هایی تولید کنند که از لحاظ دستوری صحیح‌اند، اما از نظر کاربردی یا فرهنگی نادرست یا گمراه‌کننده باشند.

<sup>10</sup> با آن‌که هوش مصنوعی می‌تواند در چارچوب کلاس زبان آلمانی به‌عنوان دستیار دیجیتالی، مزایای متعدد و متنوعی را به همراه داشته باشد، اما نظر به تمرکز این مقاله بر محور اصلی رساله دکتری پژوهشگران، در ادامه صرفاً به‌صورت گذرا به برخی از این کارکردها اشاره می‌شود. از جمله مهم‌ترین این کاربردها می‌توان به ادغام هوش مصنوعی با رویکردهایی چون بازی‌وارسازی (گیمیفیکیشن)، تولید خودکار تصویر و بهره‌گیری از فناوری‌های واقعیت مجازی (VR) و افزوده (AR) اشاره کرد.

برای مثال، استفاده از Konjunktiv در زبان آلمانی برای بیان مؤدبانه یا نقل قول غیرمستقیم اهمیت زیادی دارد. یک زبان آموز ممکن است برای پرسیدن آدرس ایستگاه راه آهن جمله مؤدبانه زیر را به کار ببرد:

«Könnten Sie mir bitte sagen, wo der Bahnhof ist?» در حالی که یک چت بات ممکن است پاسخ «Sag mir, wo der Bahnhof ist!» را تولید کند که هرچند از لحاظ دستوری درست است، اما به دلیل نبود ادب لازم بافت سخن، می تواند گستاخانه یا آمرانه تلقی شود. افزون بر این، هوش مصنوعی در درک عبارات اصطلاحی و زبان محور با دشواری های دیگری نیز مواجه است. برای نمونه، جمله «Jetzt ist der Drops gelutscht» (به معنای «کار از کار گذشته است») اگر تحت اللفظی ترجمه شود یا در موقعیتی نادرست به کار رود، موجب سردرگمی زبان آموز می شود. این مشکل به ویژه زمانی تشدید می شود که زبان آموز هنوز به تفاوت های ظریف فرهنگی آشنا نیست و به سیستم های هوش مصنوعی اعتماد کامل دارد. این محدودیت ها نشان می دهند که مدل های هوش مصنوعی، به رغم توان تحلیل آماری بالا، فاقد درک زمینه محور و فرهنگی عمیق اند. مفاهیمی همچون طنز، لحن، کنایه و قواعد نانوشته در حوزه ادب در زبان آلمانی ریشه در فرهنگ دارند و نمی توان آن ها را صرفاً با قواعد زبانی فرا گرفت. در نتیجه، نبود این درک فرهنگی در سیستم های هوش مصنوعی، خطر انتقال تصویری ناقص یا تحریف شده از زبان و فرهنگ آلمانی را به همراه دارد. از این رو، برای آموزش مؤثر زبان، باید از این فناوری ها با دقت و همراه با نظارت انسانی استفاده شود تا از بروز سوءیادگیری جلوگیری گردد.

## 2.2. مسائل اخلاقی و چالش های حفاظت داده ها

استفاده از هوش مصنوعی در حوزه آموزش، به ویژه به دلیل ارائه و بهره برداری از تجربیات یادگیری شخصی سازی شده، همانطور که در قسمت اول توضیح داده شد، مزایای بسیاری به همراه دارد. با این حال، بهره گیری از داده های شخصی توسط سیستم های هوش مصنوعی سوالات اخلاقی مهمی را، به ویژه در رابطه با حفظ حریم خصوصی، مطرح می کند. سیستم های هوش مصنوعی اغلب اطلاعاتی درباره زبان آموزان جمع آوری می کنند، از جمله رفتارهای یادگیری، پیشرفت های آن ها و گاه حتی جزئیات شخصیتی زبان آموز. این داده ها برای تطبیق فرایند آموزش با نیازهای فردی ضروری هستند، اما همزمان خطراتی مانند نقض حریم خصوصی یا عدم رعایت مقررات حفاظت داده ها را به همراه دارند. از آنجا که بسیاری از زبان آموزان در حوزه DaF از کشورهایی با قوانین متفاوت در زمینه حفاظت از داده ها می آیند، استفاده از هوش مصنوعی پیچیدگی های زیادی را به همراه دارد. این مسئله نیازمند آن است که معلمان و مؤسسات آموزشی راحل هایی را بیابند که نه تنها پیشرفت یادگیری را تسهیل کنند، بلکه از حریم خصوصی زبان آموزان نیز به طور مؤثر محافظت نمایند. (Zawacki-Richter et al. 2022: 2)

برای نمونه، بسیاری از پلتفرم های آموزش زبان مبتنی بر هوش مصنوعی داده های مربوط به زبان آموزان را جمع آوری می کنند تا برنامه آموزشی را به صورت شخصی سازی شده تنظیم کنند. با این حال، این داده ها ممکن است بدون اطلاع دقیق زبان آموزان به شرکای خارجی یا کشورهای دیگر انتقال یابد. به عنوان مثال، یک برنامه آموزشی زبان می تواند اطلاعاتی درباره اشتباهات رایج و عادات یادگیری کاربران را به شرکت های بازاریابی منتقل کند تا تبلیغات هدفمندتری ارائه دهند. چنین رویه ای منجر به کاهش اعتماد کاربران شده و در بسیاری از کشورها حتی از

نظر قانونی نیز ممنوع باشد. نهادهای آموزشی که از این نوع پلتفرم‌ها استفاده می‌کنند، باید اطمینان حاصل کنند که تنها با ارائه‌دهندگانی همکاری می‌کنند که حریم خصوصی زبان‌آموزان را محترم شمرده و بدون اجازه اطلاعات را به اشتراک نگذارند. به عنوان نمونه ای دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند علاوه بر این رفتار یادگیری زبان آموزان را با دقت بسیار بالایی تحلیل کند؛ به عنوان مثال، بررسی کند که یک زبان‌آموز چند بار به یک تمرین مراجعه کرده یا برای انجام یک فعالیت چقدر زمان صرف کرده است. این اطلاعات برای شخصی‌سازی فرآیند یادگیری مفید هستند، اما می‌توانند حس نظارت دائمی را نیز ایجاد کنند. اگر زبان‌آموزان احساس کنند که همواره تحت نظر هستند، ممکن است دچار استرس یا فشار روانی شوند، زیرا تصور می‌کنند که هر فعالیت یادگیری آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### 2.3. سوگیری‌ها (بایاس‌ها) و کلیشه‌ها در داده‌های آموزشی

مدل‌های هوش مصنوعی بر پایه مجموعه داده‌های گسترده‌ای آموزش می‌بینند که بازتاب‌دهنده زبان و الگوهای رفتاری جوامع انسانی‌اند. این داده‌ها اغلب شامل کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌هایی هستند که بدون آگاهی به مدل‌ها منتقل می‌شوند. در حوزه DaF چنین انتقالی می‌تواند سبب بازتولید نقش‌ها یا تصورات فرهنگی خاص و در نتیجه ارائه تصویری نادرست یا یک‌جانبه از زبان و فرهنگ آلمانی شود. برای نمونه، هوش مصنوعی ممکن است در جملات و مثال‌های خود نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای را بازتاب دهد؛ مثلاً عباراتی مانند «پزشک مرد» یا «پرستار زن» را استفاده کند، حتی زمانی که متن اصلی هیچ اشاره‌ای به جنسیت نکرده باشد. این نوع بازنمایی‌ها می‌تواند تصور نادرستی از زبان و جامعه منتقل کرده و نگرش‌های محدود و سنتی را تقویت کند. علاوه بر آن، در برخی از تمرین‌های زبانی ممکن است تصاویری کلیشه‌ای از «فرهنگ آلمانی» ارائه شود، مانند تأکید بیش از اندازه بر وقت‌شناسی یا قوانین سخت‌گیرانه. این بازنمایی‌ها، در حالی که ممکن است در برخی موارد ریشه‌های فرهنگی داشته باشند، در صورت فقدان تنوع و عمق فرهنگی، باعث شکل‌گیری درکی سطحی و کلیشه‌ای از جامعه آلمان می‌شوند.

(Blodgett et al. 2020: 5458)

### 2.4. فقدان ارتباط شخصی و عاطفی

استفاده از هوش مصنوعی در آموزش زبان مزایای متعددی همچون دسترسی دائمی به ابزار یادگیری را به همراه دارد، اما یکی از معایب قابل توجه آن، نبود ارتباط شخصی میان معلمان و زبان‌آموزان است. یادگیری زبان تنها یک فرآیند فنی نیست، بلکه تجربه‌ای عاطفی و اجتماعی از برخورد های انسانی نیز هست که در آن زبان‌آموزان با فرهنگ و مردمی که به آن زبان صحبت می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کنند. سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند تمرینات و تصحیحات خوبی ارائه دهند، اما فاقد توانایی برای واکنش همدلانه یا درک نشانه‌های غیرکلامی هستند، امری که می‌تواند کیفیت یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد. این کمبود تعامل انسانی به کاهش انگیزه و عدم درک عمیق از ظرافت‌های فرهنگی منجر می‌شود، که خود یکی از جنبه‌های کلیدی یادگیری زبان است.

(Mercer / Dörnyei 2021)

برای مثال، اگر یک زبان‌آموز با یک تمرین دشوار رویرو شود و زبانی ابراز نکند، معلمان انسانی اغلب می‌توانند این چالش را تشخیص داده و روش تدریس خود را متناسب با نیاز زبان‌آموز تنظیم کنند. آن‌ها ممکن است مطلب را ساده‌تر توضیح دهند، زمانی برای استراحت اختصاص دهند یا با جملات تشویقی، انگیزه زبان‌آموز را تقویت کنند. در مقابل، سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی توانایی واکنش به چنین نشانه‌های عاطفی را ندارند. مثلاً، اگر یک زبان‌آموز در تلفظ برخی صداها مکرراً اشتباه کند و احساس ناامیدی کند، هوش مصنوعی تنها به تصحیح خطاها می‌پردازد، بدون اینکه به ناامیدی زبان‌آموز توجهی نشان دهد. این امر ممکن است منجر به کاهش انگیزه و از دست دادن علاقه به یادگیری شود. علاوه بر این، موضوعات فرهنگی یا سوالات شخصی اغلب در کلاس‌های آموزش زبان مطرح می‌شوند؛ بحث‌هایی پیرامون ارزش‌ها، هویت یا تفاوت‌های فرهنگی. در چنین موقعیت‌هایی، معلمان انسانی به احساسات زبان‌آموزان با حساسیت بیشتری پاسخ می‌دهند و فضایی دوستانه و حمایتگر ایجاد می‌کنند. در حالی که یک سیستم هوش مصنوعی به دلیل فقدان درک از ظرافت‌های این موضوعات، در برخورد با آن‌ها دچار مشکل می‌شود. برای نمونه، اگر یک زبان‌آموز سوالی درباره فرهنگ آلمان مطرح کند که به هنجارهای اجتماعی یا موضوعات حساس مرتبط باشد، هوش مصنوعی شاید پاسخی فنی ارائه دهد، اما این پاسخ فاقد درک اجتماعی یا احساسی لازم در جامعه زبان‌آموز خواهد بود.

## 2.5. خطرات وابستگی به هوش مصنوعی و ریسک تقلب

وابستگی و استفاده مکرر از هوش مصنوعی در DaF می‌تواند مشکلاتی با خود به همراه داشته باشد. با گسترش روزافزون ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، هم زبان‌آموزان و هم معلمان به تدریج استقلال خود را از دست می‌دهند و در نتیجه، توانایی‌هایی همچون تفکر انتقادی، تعامل اجتماعی و حل مسئله‌ی خلاقانه را کمتر پرورش می‌دهند. این موضوع می‌تواند سبب آن شود که جنبه‌های مهم یادگیری زبان به حاشیه رانده شده و فرآیند یادگیری به تجربه‌ای سطحی و وابسته تبدیل گردد.

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها این است که زبان‌آموزان هنگام استفاده از ابزارهایی که به‌طور خودکار و فوری خطاهای زبانی آن‌ها را اصلاح می‌کنند، کمتر به تحلیل شخصی اشتباهات خود می‌پردازند. به جای آنکه درباره‌ی خطاهای خود بیندیشند و استراتژی‌هایی برای اصلاح آن‌ها بیاموزند، به بازخورد سریع سیستم‌های هوش مصنوعی وابسته می‌شوند. برای نمونه، زبان‌آموزی که مداوماً از ابزارهای اصلاح گرامر استفاده می‌کند، انگیزه‌ی خود برای درک عمیق قواعد دستوری و به‌کارگیری آن‌ها به صورت مستقل از دست می‌دهد. این موضوع به‌مرور زمان توانایی او در یادگیری خودمحور، خوداندیشی و در نهایت تسلط واقعی به زبان را تضعیف می‌کند. مشکل دیگر زمانی بروز می‌کند که زبان‌آموزان برای تمرین مکالمه به جای تعامل واقعی با دیگران، تنها به چت‌بات‌ها یا دستیارهای زبانی هوش مصنوعی متکی می‌شوند. با اینکه این ابزارها فرصت تمرین پیوسته را در هر زمان فراهم می‌سازند، اما تعاملات با آن‌ها فاقد ویژگی‌های واقعی و انسانی یک گفتگو هستند. به عنوان مثال، در این تعاملات خبری از نشانه‌های غیرکلامی، تفاوت‌های فرهنگی و واکنش‌های خودجوش انسانی نیست. در نتیجه، زبان‌آموز ممکن است در موقعیت‌های ارتباطی واقعی با مشکلاتی چون عدم اعتمادبه‌نفس یا ناتوانی در درک موقعیت‌های فرهنگی مواجه شود، چرا که تجربه‌ی کافی در ارتباط با مخاطب انسانی را کسب نکرده است.

از سوی دیگر، استفاده‌ی ابزارهای و ناصحیح از هوش مصنوعی برای انجام تکالیف، تهدیدی جدی برای اهداف واقعی یادگیری زبان محسوب می‌شود. اگر زبان‌آموزان از ابزارهایی مانند مترجم‌های خودکار یا سیستم‌های تولید متن برای انجام سریع وظایف آموزشی بهره ببرند، بدون آن‌که شخصاً در فرآیند یادگیری مشارکت کنند، یادگیری عمیق و پایدار رخ نخواهد داد. به‌عنوان مثال، نوشتن یک انشای کامل به کمک سیستم تولید متن هوش مصنوعی ممکن است از نظر ظاهری بدون خطا باشد، اما زبان‌آموز نه مهارت نوشتن را تمرین کرده و نه درکی واقعی از زبان به‌دست آورده است. در نتیجه، در موقعیت‌های زبانی واقعی یا آزمون‌ها عملکرد ضعیفی نشان خواهد داد. همچنین، برخی زبان‌آموزان متنی را ابتدا به زبان مادری خود می‌نویسند و سپس آن را به کمک نرم‌افزارهای ترجمه به زبان آلمانی تبدیل می‌کنند. این روش باعث می‌شود که زبان‌آموز از تمرین فرموله‌کردن جملات به زبان مقصد، یادگیری واژگان جدید و ساختارهای گرامری محروم شود. در بلندمدت، چنین رویکردی به ضعف زبانی آشکاری منجر می‌شود، به‌ویژه در شرایطی که استفاده از ابزارهای ترجمه مجاز نیست و زبان‌آموز باید به صورت مستقل جمله‌سازی کند.

## 2.6. هزینه‌ها و محدودیت‌های دسترسی به فناوری

پیاده‌سازی و نگهداری سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی معمولاً با هزینه‌های بالایی همراه است که برای بسیاری از مؤسسات آموزشی قابل تحمل نیست. به ویژه مدارس کوچک و نهادهای آموزشی که از نظر مالی با چالش‌های فراوانی برای تأمین زیرساخت‌های تکنولوژیکی مورد نیاز مواجه هستند، و در نتیجه این امر می‌تواند بر برابری فرصت‌ها در عرصه آموزش تأثیر منفی بگذارد. علاوه بر این، در برخی از مناطق جهان دسترسی محدود به اتصالات اینترنتی قابل اعتماد و فناوری‌های مدرن وجود دارد که استفاده از هوش مصنوعی در تدریس زبان آلمانی را دشوارتر می‌سازد. این امر شکاف دیجیتالی میان دانش‌آموزانی که دسترسی به تکنولوژی دارند و کسانی که به دلیل کمبود زیرساخت‌های لازم محروم هستند، ایجاد می‌کند. (Holmes et al. 2019: 24-26)

### نتیجه‌گیری و توصیه‌های مبتنی بر بحث

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به عنوان دستیار آموزشی در فرآیند آموزش و یادگیری زبان – به‌ویژه در حوزه‌ی آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی (DaF) – با توجه به کارکردهای تسهیل‌گر، تسریع‌گر و تا حدی تکمیل‌گر آن، اقدامی توصیه‌پذیر و مؤثر است. استفاده از این فناوری نه تنها می‌تواند منجر به کاهش چشمگیر زمان صرف‌شده در مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی آزمون‌ها شود، بلکه تأثیر مستقیمی نیز بر بهبود کیفیت یادگیری و ارتقاء اثربخشی فرآیند آموزشی دارد. با این حال، نتیجه‌گیری کلی بر این نکته تأکید دارد که کاربرد هوش مصنوعی در آموزش زبان باید همواره در چهارچوب‌های منطقی، اخلاق‌مدار و مبتنی بر مسئولیت‌پذیری علمی صورت گیرد. نقش این فناوری در حال حاضر نه جایگزینی برای معلم یا همکار زبانی، بلکه مکملی است در یک تعامل سازنده‌ی انسان و ماشین. در چنین مدلی، هوش مصنوعی می‌تواند فرآیند آموزش را به صورت هدفمند تسهیل و تسریع کند، اما همچنان این معلم است که به‌عنوان

ایده‌پرداز، هدایتگر و ناظر بر مسیر یادگیری نقش مرکزی را ایفا می‌کند. این رویکرد تعاملی، بهینه‌ترین شیوه برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های فناورانه در عرصه‌ی آموزش زبان در عصر دیجیتال محسوب می‌شود.

در ادامه هفت توصیه به منظور استفاده بهینه از ظرفیت‌های هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی ارائه شده‌اند. هدف آن است که از این فناوری برای ارتقای یادگیری بهره‌برداری شود، بدون آن‌که اصول استاندارد آموزشی و اخلاقی نادیده گرفته شوند. این رویکرد به هماهنگی بین فناوری و اهداف آموزشی کمک کرده و می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری مؤثرتر و پایدارتر باشد.

#### **I. انتخاب هدفمند و تطبیق پلتفرم‌های یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی:**

هوش مصنوعی ظرفیت چشمگیری برای ارتقای پلتفرم‌های آموزش زبان، به‌ویژه در زمینه‌ی آموزش زبان آلمانی به غیربومی‌زبانان دارد. برای دستیابی به نتایجی مؤثر، ضروری است که این سیستم‌ها به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها مهارت‌های زبانی را ارتقا دهند، بلکه به تفاوت‌های فرهنگی زبان‌آموزان نیز واکنش‌پذیر باشند. توجه به تنوع فرهنگی، پرهیز از بازنمایی‌های کلیشه‌ای، و ایجاد بستری چندفرهنگی برای یادگیری، از جمله الزامات زبان‌شناختی در طراحی این سامانه‌هاست. پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی باید بتوانند داده‌های زبانی و فرهنگی را به‌شکلی تطبیقی پردازش کنند تا امکان یادگیری معنادار و موقعیت‌محور فراهم گردد. چنین رویکردی افزون بر تقویت توانش زبانی، به رشد سواد بین‌فرهنگی زبان‌آموزان و درک عمیق‌تر آن‌ها از کاربرد اجتماعی زبان آلمانی می‌انجامد.

## Pre-Print Version

#### **II. تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی و اتخاذ تدابیر حفاظت از داده‌ها:**

برای تضمین حریم خصوصی و امنیت یادگیرندگان، باید دستورالعمل‌های شفاف و جامع در زمینه حفاظت از داده‌ها تدوین شود. این شامل کنترل بر نوع داده‌های جمع‌آوری‌شده و نحوه استفاده از آن‌ها می‌شود. شفافیت در خصوص نحوه استفاده از داده‌ها اعتماد ایجاد کرده و به کارگیری مسئولانه و اخلاقی هوش مصنوعی در آموزش زبان را تسهیل می‌کند.

#### **III. تقویت استقلال و خودبازبینی:**

برای جلوگیری از وابستگی به سیستم‌های هوش مصنوعی، زبان‌آموزان باید تشویق شوند تا خطاهای خود را به صورت مستقل شناسایی و اصلاح کنند. این مهارت می‌تواند از طریق تمرینات هدفمندی که واکنش‌های شخصی و تفکر انتقادی را تقویت می‌کنند، پرورش یابد. به عنوان مثال، زبان‌آموزان می‌توانند تولیدات متنی خود را که دارای خطا هستند تحلیل کرده و پیشنهادات اصلاحی ارائه دهند، سپس این پیشنهادات را با تصحیحات تولیدشده توسط هوش مصنوعی مقایسه کنند. چنین رویکردی اعتماد به توانایی‌های فردی را تقویت کرده و استقلال را در فرآیند یادگیری نیز ارتقا می‌دهد و در واقع مانند استفاده از تمرین‌های آنلاین بسیار سودمند خواهد بود.

#### **IV. محدودسازی استفاده از هوش مصنوعی برای جلوگیری از تقلب:**

کاربرد هوش مصنوعی در آموزش زبان باید به گونه‌ای باشد که فرآیند یادگیری را تکمیل کند، نه این‌که جایگزین آن شود (به عنوان مثال؛ فقط محدود به ارائه ایده شود). برای دستیابی به این هدف، می‌توان تکالیف و

امتحانات را به گونه‌ای طراحی کرد که استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی محدود شود. به عنوان نمونه؛ آزمون‌های شفاهی منظم و تولیدات زبانی خلاقانه، مهارت‌های واقعی زبانی یادگیرندگان را تقویت می‌کند و آن‌ها را از استفاده مستمر از هوش مصنوعی باز می‌دارد. بدین ترتیب، این فناوری به فراگیری زبان کمک می‌کند، بدون این‌که تفکر مستقل و تولید فعالانه و خلاقانه زبان را تحت‌الشعاع قرار دهد.

#### **V. تکمیل فرایند از طریق تعامل انسانی:**

هوش مصنوعی باید به عنوان مکملی برای تمرین زبان آموزان و مکملی برای آموزش مدرسان عمل کند، نه جایگزینی برای آن. تعاملات شخصی با معلمان و افراد بومی همچنان برای دستیابی به درکی جامع از زبان ضروری هستند. برگزاری منظم میزگردهای گفت‌وگو یا برنامه‌های مشارکتی و تعاملی به یادگیرندگان می‌تواند به عنوان مثال این امکان را دهد تا مهارت‌های بین‌فرهنگی و ارتباطی خود را در موقعیت‌های گفت‌وگوی واقعی تقویت کنند. این تماس‌های مستقیم نه تنها حس زبانی را تقویت می‌کنند، بلکه درک ظرایف فرهنگی و کاربرد طبیعی زبان را نیز بهبود می‌بخشند. بدین ترتیب، هوش مصنوعی به پیشرفت زبانی کمک می‌کند، بدون آن‌که جای تعاملات انسانی ضروری را بگیرد.

#### **VI. آموزش مدرسان در استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی:**

برای اینکه مدرسان بتوانند سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را به‌طور مؤثر در آموزش ادغام کنند، باید در این زمینه آموزش ببینند. آگاهی از نحوه عملکرد و محدودیت‌های این فناوری برای حمایت بهینه از یادگیرندگان و مداخله در مواقع ضروری اهمیت بسیاری دارد.

#### **VII. ارزیابی و تطبیق منظم روش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی:**

اثر بخشی استفاده از هوش مصنوعی در آموزش زبان آلمانی به‌عنوان زبان خارجی باید به‌طور مداوم بررسی شود تا اطمینان حاصل شود که این فناوری به بهترین شکل ممکن اهداف یادگیری را پشتیبانی می‌کند. این ارزیابی‌های منظم باعث می‌شود که مدرسان میزان هماهنگی ابزارهای هوش مصنوعی با معیارها و اهداف آموزش را تشخیص داده و نقاط ضعف ممکن که نیاز به اصلاح و بهبود دارند را شناسایی کنند. بر اساس این نتایج، می‌توان تنظیمات دقیقی انجام داد تا تجربه یادگیری بهینه شود. به این ترتیب، استفاده از هوش مصنوعی به‌طور هدفمند هدایت می‌شود و به شکلی معنادار فرایند یادگیری را غنی‌سازی می‌کند و پاسخ‌گوی نیازهای یادگیرندگان خواهد بود.



# ***Title: Artificial Intelligence in Teaching German as Foreign Language: Exploring the Opportunities and Challenges of Digital Educational Assistants***

## **Abstract**

### **Introduction**

In recent years, the integration of Artificial Intelligence (AI) into foreign language education has increasingly gained attention. Technological advances, particularly in the development of large language models (LLMs), have made it possible to design language learning environments that are more adaptive, efficient, and responsive to learners' individual needs. In the context of teaching German as a Foreign Language (Deutsch als Fremdsprache – DaF), AI offers innovative tools that support the learning process by providing immediate feedback, generating customized learning tasks, and enhancing assessment procedures. However, the pedagogical use of AI also raises critical questions concerning reliability, ethical implications, cultural sensitivity, and the limits of automated teaching and assessment. This study aims to explore the potential and challenges of employing AI-based tools in the DaF classroom. The central research question is: Can AI-based systems be effective tools in teaching German as a foreign language (DaF)? And do their benefits outweigh the drawbacks enough to justify their use in language education?

### **Background of the Study**

Although AI tools such as ChatGPT, DeepL, and conversational bots have been increasingly applied in English language learning, their use in the field of German language instruction is still in its early stages. Preliminary studies suggest that AI can support learners by delivering corrective feedback, enhancing vocabulary acquisition, improving pronunciation, and offering personalized grammar exercises. Nonetheless, scholars also emphasize the importance of a critical perspective. Limitations include the risk of biased outputs, lack of intercultural competence, privacy concerns, and reduced human interaction. AI-generated content may be linguistically accurate but pragmatically or culturally inappropriate. Furthermore, overreliance on AI tools could reduce learners' motivation to develop independent language competencies. Therefore, it is essential to investigate how AI can be responsibly integrated into language teaching and assessment practices without replacing the

irreplaceable aspects of human instruction, such as empathy, adaptability, and pedagogical judgment.

## **Methodology**

The study follows a triangulated mixed-methods approach, combining theoretical, empirical, and analytical perspectives. In the first phase, a systematic review of the literature was conducted using scholarly databases such as ERIC, Scopus, and Google Scholar to construct a conceptual framework. The second phase consisted of an experimental design involving 10 DaF learners at the B2 level. Participants completed open-ended speaking and writing tasks modeled after the TELC and ÖSD test formats. Their responses were independently evaluated by five native German-speaking DaF experts and one Persian-speaking DaF instructor using pre-defined assessment rubrics. These same responses were subsequently assessed by ChatGPT, following the same evaluation categories. The third phase involved a comparative analysis of the human and AI-generated assessments. Quantitative and qualitative data were analyzed using Microsoft Excel and visualized with Canva, enabling the identification of patterns, discrepancies, and strengths or weaknesses in both evaluation methods.

## **Conclusion**

The findings of this study indicate that the integration of AI-based systems as instructional assistants in DaF is both recommendable and effective due to their facilitative, accelerative, and partially complementary functions. The use of such technologies significantly reduces the time required for the design, implementation, and evaluation of language assessments, while simultaneously enhancing learning quality and increasing the overall effectiveness of the teaching process. Nevertheless, the study underscores that the application of artificial intelligence in language education must remain within ethical, rational, and scientifically responsible frameworks. AI should not be regarded as a replacement for language teachers or human interaction, but rather as a valuable supplement within a constructive human-machine dynamic. In this model, AI can streamline the learning process, but the teacher remains the central figure in shaping, guiding, and supervising language acquisition. This interactive approach offers an optimal strategy for utilizing AI in digital-age language education.

- Artificial Intelligence (AI)
- Language Teaching
- Personalized Learning Paths
- Digital Teaching Assistance
- Interactive Language Practice

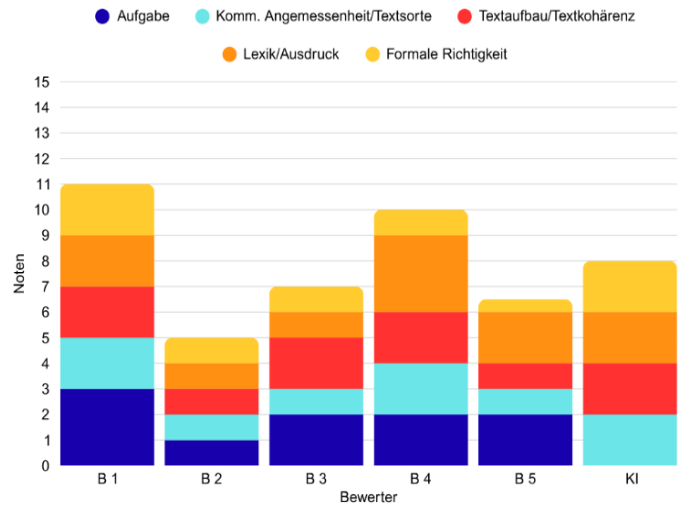
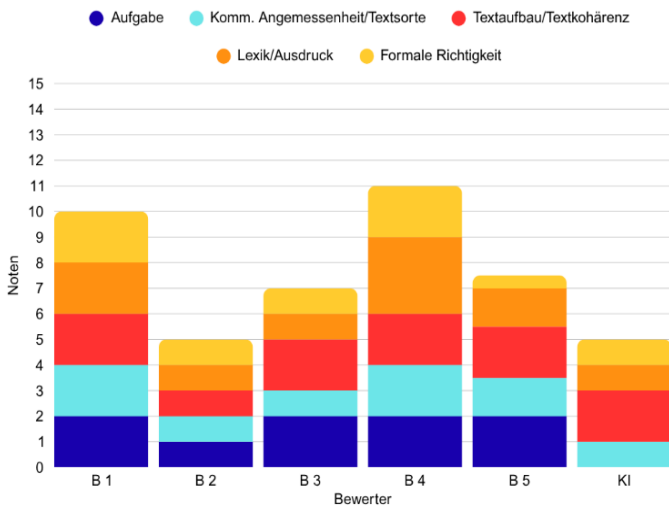
# Pre-Print Version

چالش‌ها	فرصت‌ها	معیار
کمبود درک ظرافت‌های زبانی، عبارات اصطلاحی و طنز	تطبیق سطح محتوا با نیاز یادگیرنده	شخصی‌سازی یادگیری
کمبود تعامل انسانی و واکنش‌های عاطفی	تمرین زبان در هر زمان در محیطی امن و بدون قضاوت	تمرین تعاملی و امن
وابستگی بیش از حد به سیستم و کاهش تفکر انتقادی	انعطاف‌پذیری در یادگیری و دسترسی دائمی	حفظ خودمختاری و تعادل انسان-ماشین
خطر تقلب و استفاده‌ی نادرست از هوش مصنوعی	تسهیل انجام وظایف و تولید محتوا	اصالت یادگیری و نظارت آموزشی
دقت پایین در بازنمایی‌های فرهنگی و کلیشه‌ای	ارتقاء حساسیت و سواد بین‌فرهنگی	توانمندسازی بین‌فرهنگی
مسائل اخلاقی و حریم خصوصی داده‌ها	تحلیل داده‌ها برای بهینه‌سازی آموزش	مسئولیت‌پذیری و حفاظت از داده‌ها
نابرابری دسترسی و شکاف دیجیتالی	دیجیتالی‌سازی فرآیند آموزش	عدالت آموزشی و دسترسی فناوری
کیفیت متغیر بازخورد و نبود توضیح همدلانه	بازخورد خودکار و فوری	اصلاح خطا و یادگیری فعال
بازی‌سازی بیش از حد منجر به یادگیری سطحی	افزایش انگیزه با مکانیزم‌های بازی	گیمیفیکیشن هدفمند
هزینه‌های زیرساخت و نبود پشتیبانی فنی	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین VR و AR مانند	ادغام تکنولوژی نوین در آموزش

جدول 1: نمای کلی از فرصت‌ها و چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی در تدریس زبان آلمانی به عنوان زبان

خارجی (DaF)

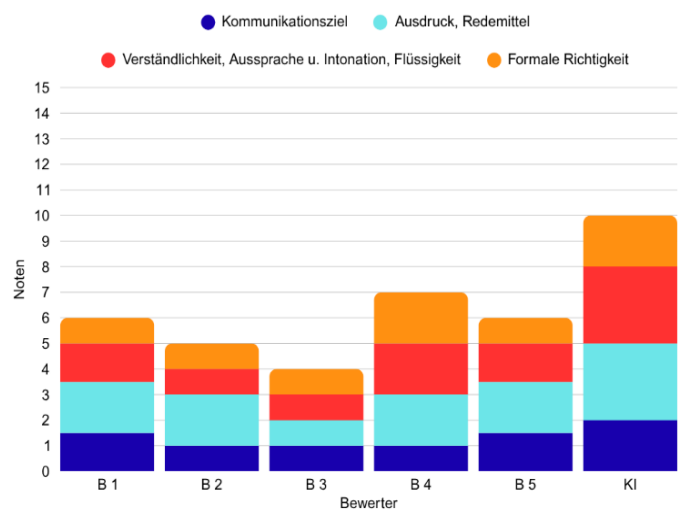
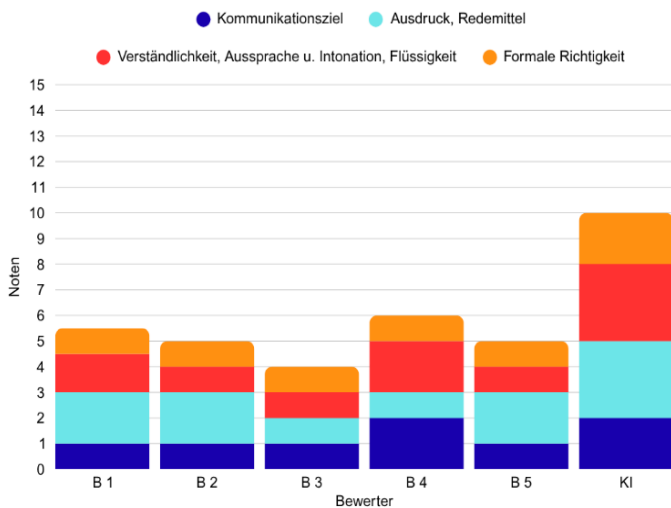
## Proband 4



Schreiben 1

Schreiben 2

# Pre-Print Version



Sprechen 1

Sprechen 2

Proband 4: Schreiben & Sprechen (KI)

Bewertungskategorie	Max. Punkte	Schreiben 1	Begründung Schreiben 1	Schreiben 2	Begründung Schreiben 2
1. Kommunikative Angemessenheit	2	1	Textsorte erkannt, aber teilweise umgangssprachlich, nicht immer sachlich argumentativ	2	Sachlich und thematisch passend, informativ und weitgehend argumentativ
2. Textaufbau / Textkohärenz	3	2	Grundstruktur mit Einleitung-Hauptteil-Schluss vorhanden, aber Übergänge teils holprig	2	Struktur grundsätzlich klar, einige Sprünge und fehlende Konnektoren
3. Lexik / Ausdruck	5	2	Einfache, teils wiederholende Lexik, nicht sehr variantenreich, Begriffe teils unpräzise	3	Etwas variantenreicher, passend zum Thema, aber noch stilistische Schwächen
4. Formale Richtigkeit (Grammatik etc.)	5	1	Viele Fehler in Syntax, Artikel, Groß-/Kleinschreibung, Satzbau oft fehlerhaft	2	Grammatische Fehler vorhanden, aber Satzstruktur teilweise verständlich
5. Inhaltliche Vollständigkeit	-3 (Abzug)	-1	Ein geforderter Inhalt (z. B. persönliche Erfahrung) etwas zu oberflächlich dargestellt	-1	Aspekte vorhanden, aber nicht tiefgehend genug (z. B. Prognose, kritische Einschätzung)
Gesamtpunktzahl	15	5		8	
Gesamtpunktzahl (beide Texte)		13 von 30 Punkten			
Bewertung		✗ Nicht bestanden			

Bewertungskategorie	Max. Punkte	Sprechen 1	Begründung Sprechen 1	Sprechen 2	Begründung Sprechen 2
1. Kommunikative Angemessenheit	3	2	Aufgabe größtenteils erfüllt; zentrale Inhalte angesprochen, aber teils oberflächlich oder wenig vertieft	2	Thema klar erfasst; Struktur erkennbar, aber argumentativ noch ausbaufähig
2. Sprachlicher Ausdruck / Wortschatz	5	3	Wortschatz funktional, aber eher einfach; einige Wiederholungen; klare Ausdrucksweise	3	Sprachlich verständlich, aber wenig differenziert; Wortwahl überwiegend korrekt
3. Verständlichkeit / Aussprache / Sprachfluss	4	3	Gut verständlich, natürliche Intonation; vereinzelte Pausen, leicht hörbarer Akzent	3	Verständlich mit flüssigem Sprechfluss; kleinere Unregelmäßigkeiten stören kaum
4. Formale Richtigkeit (Grammatik/Syntax)	3	2	Einige grammatische Fehler, v. a. im Satzbau; Verständlichkeit aber weitgehend erhalten	2	Grammatik meist korrekt, aber einzelne Fehler bei Verben und Artikeln
Gesamtpunktzahl	15	10		10	
Gesamtergebnis	20 von 30 Punkten				
Bewertung	✓ Bestanden				

Schreiben 1	Punkte
Aufgabe	2
Komm. Angemessenheit/Textsorte	1
Textaufbau/Textkohärenz	2
Lexik/Ausdruck	1
Formale Richtigkeit	1
<b>Schreiben 1 gesamt</b>	<b>7</b>
	(max. 15 P.)

Schreiben 2	Punkte
Aufgabe	2
Komm. Angemessenheit/Textsorte	1
Textaufbau/Textkohärenz	2
Lexik/Ausdruck	1
Formale Richtigkeit	1
<b>Schreiben 2 gesamt</b>	<b>7</b>
	(max. 15 P.)

Gesamtpunkte Schreiben 1 + 2

**14**  
(max. 30 P. / min. 15 P.)

bestanden

ja  nein

Bitte begründen Sie hier anhand der Kriterien im Auswertungsbogen Ihre Punktevergabe:

Begründungen fehlen teils (Tiefe)  
Argumentation schwach

Sprechen 1

Kommunikationsziel

Ausdruck, Redemittel

Verständlichkeit, Aussprache u. Intonation,

Flüssigkeit

Formale Richtigkeit

Punkte

1/3  
1/5  
1/4  
1/3

Sprechen 1 gesamt

**4**  
(max. 15 P.)

Sprechen 2

Kommunikationsziel

Ausdruck, Redemittel

Verständlichkeit, Aussprache u. Intonation,

Flüssigkeit

Formale Richtigkeit

Punkte

1/3  
1/5  
1/4  
1/3

Sprechen 2 gesamt

**4**  
(max. 15 P.)

Gesamtpunkte Sprechen 1 + 2

**8**  
(max. 30 P. / min. 15 P.)

bestanden

ja  nein

Bitte begründen Sie hier anhand der Kriterien im Auswertungsbogen Ihre Punktevergabe:

sehr diffus und sprunghaft (Sprechen 1)

Der/Die Prüfende

**K. Wozarems**

1. Blodgett, Su Lin, Solon Barocas, Hal Daumé III, and Hanna Wallach. 2020. "Language (Technology) Is Power: A Critical Survey of 'Bias' in NLP." *Proceedings of the 58th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics*, 5454–5476.
2. Buck, Isabella, Anika Limburg, and Margret Mundorf. 2023. "Faszination, Skepsis und Enttäuschung: Eine explorative Studie zur epistemischen Nutzung von ChatGPT unter Schüler: innen." *Der Deutschunterricht* 2023(5): 64–74.
3. Cardona, Melissa, Rafael Rodríguez, and Kwame Ishmael. 2023. *Artificial Intelligence and the Future of Teaching and Learning: Insights and Recommendations*. Office of Educational Technology. <https://coilink.org/20.500.12592/rh21zz>. Zugriff am 6. April 2025.
4. Ciężka, Agnieszka. 2024. "Generative KI-Tools: Die Zukunft des kreativen Lernens." *Zeitschrift für Interkulturellen Fremdsprachenunterricht* 29(1): 375–405. <https://doi.org/10.48694/zif.3722>.
5. Deng, Ruiqi, Min Jiang, Xiaoyu Yu, Yujie Lu, and Shuang Liu. 2024. "Does ChatGPT Enhance Student Learning? A Systematic Review and Meta-Analysis of Experimental Studies." *Computers & Education*, 105224.
6. Godwin-Jones, Robert. 2024. "Distributed Agency in Language Learning and Teaching through Generative AI." *Language Learning & Technology* 28(2): 5–30. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2403.20216>
7. Holmes, Wayne, Maya Bialik, and Charles Fadel. 2019. *Artificial Intelligence in Education: Promises and Implications for Teaching and Learning*. Boston: Center for Curriculum Redesign.
8. Liu, Gi-Zen, Jalil Fathi, and Masoud Rahimi. 2024. "Using Digital Gamification to Improve Language Achievement, Foreign Language Enjoyment, and Ideal L2 Self: A Case of English as a Foreign Language Learners." *Journal of Computer Assisted Learning* 40(4): 1347–1364. <https://doi.org/10.1111/jcal.12954>.
9. Loos, Eugène, Johanna Gröpler, and Marie-Louise Sophie Goudeau. 2023. "Using ChatGPT in Education: Human Reflection on ChatGPT's Self-Reflection." *Societies* 13(8): 196.
10. Mercer, Sarah, and Zoltán Dörnyei. 2020. *Engaging Language Learners in Contemporary Classrooms*. Cambridge: Cambridge University Press.
11. Moorhouse, Benjamin Luke. 2024. "Generative Artificial Intelligence and ELT." *ELT Journal* 78(4): 378–392.
12. Strasser, Thomas. 2020. "Künstliche Intelligenz im Sprachunterricht. Ein Überblick." *Revista Lengua y Cultura* 1(2): 1–6.
13. Strasser, Thomas. 2022. "OK mit KI: Personalisiertes Lernen mit Künstlichen Intelligenzen." *on. Lernen in der digitalen Welt* 2022(11): 10–11.
14. Vigna-Taglianti, Jacopo. 2024. "AI-Generated Images as a Teaching Tool in Foreign Language Acquisition." *Technology and Language* 5(3): 85–105. <https://soctech.spbstu.ru/en/article/2024.16.7/>. <https://doi.org/10.48417/technolang.2024.03.07>. Zugriff am 6. April 2025.
15. von Garrel, Joerg, and Jana Mayer. 2025. "Künstliche Intelligenz im Studium – Eine quantitative Längsschnittstudie zur Nutzung KI-basierter Tools durch Studierende." (unveröffentlichtes Manuskript).



16. Weerasinghe, Maheshya, Aaron Quigley, Klen Čopič Pucihar, Alice Toniolo, Angela Miguel, and Matjaž Kljun. 2022. "Arigatō: Effects of Adaptive Guidance on Engagement and Performance in Augmented Reality Learning Environments." *IEEE Transactions on Visualization and Computer Graphics* 28(11): 3737–3747. <https://doi.org/10.1109/TVCG.2022.3203088>.
17. Zawacki-Richter, Olaf, Victoria Inés Marín, Melissa Bond, and Franziska Gouverneur. 2019. "Systematic Review of Research on Artificial Intelligence Applications in Higher Education – Where Are the Educators?" *International Journal of Educational Technology in Higher Education* 16: Artikel 39, 1–27. <https://doi.org/10.1186/s41239-019-0171-0>.

# Pre-Print Version